



جوچه اعدام سپرد تا بتواند با خاطری آسوده، نوید «پایان کار» جنیش زحمتکشان زیر رهبری حزب ما را به اربابان امپریالیستی اش اعلام کند.
در باره زندگی و مبارزه و شهادت دلاورانه رفیق خسرو
ادامه در ص ۳

لين، انقلاب و حزب
به مناسب ۱۲۷ - مين
سالروز تولد رهبر كبير
پرولتاريا
در ص ۴

روزبه حمسه جاودان

ارکان مرکزی حزب تude ایران

شماره ۵۰۵، دوره هشتم
سال سیزدهم، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۶

ملحوظاتی پیرامون هفتمین انتخابات ریاست جمهوری رژیم «ولایت فقیه»

اقتصادی به دنبال اتخاذ سیاست های خانمان برانداز و همگام با خواست های سرمایه داری بزرگ ایران، از جمله سیاست «تعديل اقتصادی» و «سپردن کار به دست بخش خصوصی» به زیرساختار تویلیدی کشور لطمations و ضربات جدی وارد آمده است، اقتصاد دلالی، انگلی و غیر تویلیدی شریان های اقتصادی کشور را در اختیار خود گرفته است و در کنار افت تولید و ورشکستگی وسیع واحد های تویلیدی، میلیون ها زحمت کش به صفوی بیکاران رانده شده اند و آینده بازار کار ایران و امکان واقعی ایجاد اشتغال تا مدت های طولانی تیره و تار خواهد بود.
اتخاذ این سیاست های مخرب در سال های اخیر زمینه ساز رشد تورم، افزایش بدھی های سنگین به کشورهای خارجی، سقوط ارزش ریال و در مجموع بحران کم سابقه مالی - اقتصادی در کشور شده است. در نتیجه اعمال همین سیاست ها دره میان غنی و فقیر روز به روز وسیع تر گردیده است، فقر، محرومیت و عدم توانایی میلیون ها برای تأمین یک زندگی حداقل و در نتیجه بحران اجتماعی های اجتماعی، قتل اعتیاد و ... نشانگر اقتصادی، اجتماعی رژیم همچنان با بحران سیاسی مزمنی که سال هاست گریبانگیر آن می باشد دست و پنجه نرم می کند.
شکاف در هرم حاکمیت، تلاش برای تصاحب انحصاری قدرت سیاسی و برخوردهای میان طوفداران رفسنجانی - کارگزاران سازندگی و ائتلاف گروه های «خط امام» از یک سو و «هیأت های مؤتلفه اسلامی»، «جامعه روحانیت بارز» (رسالت) از سوی دیگر توضیح دهنده بحران سیاسی کوئی حاکمیت است.
ائلاف هشت ساله گروه رفسنجانی - رسالت با تزدیک شدن پایان دوران ریاست جمهوری رفسنجانی در آستانه پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی به پایان رسید و در طی ادامه در ص ۶

انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری به مراحل پایانی خود تزدیک می شود. بر اساس گزارش بشارتی وزیر کشور تا روز دوشنبه ۸ اردیبهشت ماه، یعنی زمان پایان مهلت واوطلبان نامزدی ریاست جمهوری، نفر خود را نامزد شرکت در انتخابات کرده بودند که پرونده آنان برای بررسی به شورای نگهبان ارجاع شده است. برای آنکه بتوان پیرامون انتخابات کوئی اظهار نظر روشنی کرد بررسی و تحلیل چند جنبه اساسی و بیزگی های انتخابات کوئی ضروری است.

۱ - انتخابات در چه شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برگزار می شود ؟
اینک که میهن ما یکی از دشوار ترین، دردناک ترین و در عین حال حساس ترین لحظات تاریخ خود را پشت سر می گذارد. سیمای ایران هجدید سال پس از انقلاب ملی و دموکراتیک بهمن ۱۳۵۷، سیمای کشوری است اسیر یک حکومت استبدادی قرون وسطایی که حاضر است برای ادامه حیات خود به هر جایی، توطنه و ترقی دست یازد. آزادی ها و حقوق دموکراتیک به شدت و با خشونت کم ساقبه ای سرکوب می شوند، دگراندیشان، دستگیر، شکنجه و اعدام می گردد و علی رغم رغب ادعاهای مسخره سران جمهوری اسلامی پیرامون وجود آزادی، حتی احزاب سیاسی «مدافع نظام» نیز از حقوق مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی محروم هستند. سازمان های صنفی و اجتماعی غیر قانونی هستند و هرگونه تلاش برای ایجاد تشکل های اجتماعی با سرکوب رژیم روبرو می گردد. بورش به محافل فرهنگی کشور، دستگیری و به راه انداختن شوهای مشمیز کننده تلویزیونی قریانیان شکنجه در کنار سرکوب خشن اعتراض های کارگری، دستگیری و اعدام توده های معترض از جمله بازتاب های چنین سیاست هایی در میهن ما است. از نظر

هیأت نمایندگی گمیته مرکزی
حزب تude ایران در چهارمین
کنگره حزب کمونیست روسیه
فنوتایو

پیام گمیته مرکزی حزب
تude ایران به چهارمین کنگره
حزب کمونیست روسیه
در صفحات ۸، ۵

دعوا در حوزه علمیه قم بالا گرفت
در ص ۲
صندوق بین المللی پول از
سیاست های دولت ایران راضی
است
«اطلاعیه اعتراض به عدم سلامت
شرایط انتخابات» از سوی سحابی و
بزدی در ص ۷

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری
برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

جویانه خواهان بازگشت به ایران هستند، بلا مانع است.
اما برای رفتن سفرای جمهوری اسلامی به آن کشورها
هیچ عجله‌ای نخواهد بود...»

کرباسچی: «بچه مسلمان‌ها این گشور را ساخته اند و می‌سازند نه لیبرال‌ها»

روزنامه سلام در مصاحبه مفصلی با کرباسچی که در روزنامه همشهری ۵ اردیبهشت ماه نیز انعکاس یافته ضمن حمله شدید به بنجاح رسالت در حاکمیت تهمت لیبرال زدن به کارگزاران را خیانت دانست و از جمله گفت: «گاهی یک فردی مشلاً در بازار یا مهندس در گوشه‌ای بلند می‌شد و می‌گوید که مجمع روحانیون یا کارگزاران باید برای ملت توضیح بدهند شما کی هستید؟ بالاخره یک جمعی هستند و دارند نظر اشان را مطرح می‌کنند. آیا شما نماینده ملت هستید؟ شما که بعضی های بنا بر تحلیل الفبا انتخابات!! با وجود اینکه استمانتا با اولین حروف الفبا در لیست کاندیدای مجلس پنج شروع می‌شد، در انتخابات رأی نیاوردید. شما که مردم حتی به یک نفر از گروهان رای ندادند می‌گوید که ما باید به ملت توضیح بدهیم!... مدیران کشور که برای برایی نظام اقتصادی و صنعتی کشور رژیم کشیده اند توسط برخی افراد متمم به لیبرالیسم شده اند. افرادی که خودشان می‌روند و آن پروره‌ها را به عنوان افتخار اشان افتتاح می‌کنند نوار پاره می‌کنند و قیچی می‌کنند واقعاً این چیزی است که ما افتخار هر کار خوبی که در کشور شده و سازندگی که در کشور شده است را از بچه مسلمان‌ها و معتقدان به ولایت سلب کنیم و بگوییم که این کار لیبرال‌ها است... تمام ما کسانی بودیم که در مقابل لیبرال‌ها ایستادیم... به نظر من یک دست‌های مشکوکی در کار است و اینها تبلیغات مشکوکی است که شاید از ناحیه همان لیبرال‌ها به نحوی خط داده می‌شد... بچه مسلمان‌ها این گشور را ساخته اند و می‌سازند نه لیبرال‌ها...»

دعوا در حوزه علمیه قم بالا گرفت

با انتشار مصاحبه کرباسچی و مسعودی دونز از مدرسین حوزه علمیه قم، دعوا در حوزه بر سر انتشار خبر تأیید ناطق نوری توسعه این حوزه بالا گرفت. بر اساس اظهارات کرباسچی و مسعودی: «یک روز جمعه پنج نفر از آقایان هیأت مؤتلفه بدون وقت قبلی آمدند در جامعه و گفتند که هیأت‌های مؤتلفه اسلامی پس از بحث و گفتگو به این نتیجه رسیده و به اتفاق رأی داده اند که از جناب ناطق نوری پشتیبانی کنند و ایشان را به عنوان ریس موسوی احسان می‌شود و امور اقتصادی ما زیر سوال بروند... در اینجا پس از چند دقیقه ای سکوت حضرت آیت الله امینی فرمودند و وقتی هیأت محترم مؤتلفه تصمیم گرفتند و به اتفاق آراء رأی دادند دیگر چه معنا دارد که از جامعه رهنمود بخواهد و این چه انتظاری است که جامعه دنیا را آقایان باشد.... روز جمعه بعد دو نفر از روحانیت مبارز تهران آمدند و جناب آقای بزدی هم با آقایان بودند... و گفتند روحانیت مبارز با اتفاق آراء به این نتیجه رسیده است که از آقای ناطق نوری پشتیبانی کند. لکن برای احترام آقایان جامعه رأی گیری نشده که باز ضررت آیت الله امینی جواب گفتند در صورت تصمیم با اتفاق این دیگر چه معنایی دارد... اینجا آقای استادی و آقای بزدی بالحنی تند گفتند چرا هی اشکال تراشی می‌کنید که آقای امینی ناراحت شدند و جلسه پایان پذیرفت...»

اعطیتی را و نیروهای انقلابی و این خانواده‌های شهدا را دارد این روحانیونی که در همه جا حضور دارند، ... از کجا و چگونه مشروطه تکرار می‌شود؟...؟

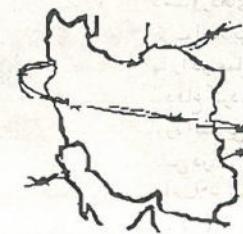
صندوق بین المللی پول از سیاست‌های دولت ایران راضی است!!

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی (جهارشنبه ۱۰ اردیبهشت ماه) تازه ترین گزارش دورنمای اقتصادی جهان که از سوی صندوق بین المللی پول انتشار یافته است تصور مشتبی از سوابی اقتصادی ایران ارائه داده است. بر اساس این گزارش میزان نورم ایران برای سال جاری میلادی ۱۵/۷ درصد تخمین زده می‌شود که نسبت به میزان ۲۳ درصد در سال ۱۹۹۶ و ۴۹/۵ درصد در سال ۱۹۹۵ کاهش یافته است. همچنین بر اساس این گزارش، میشل کامدو سوریس صندوق بین المللی پول در دیدار اخیر خود با دکتر نوربخش ریسی کل بانک مرکزی، اقتصاد ایران را در حال رشد توصیف کرده است و ابراز امیدواری کرده است ایران به سیاست اصلاحات خود [بخوان سیاست خانمان برانداز تعديل اقتصادی] همچنان ادامه دهد.

حمله انصار حزب الله به جلسه خاتمی

بر اساس گزارش رسانه‌های گروهی، عده‌ای از چاقوکشان رژیم به جلسه سخنرانی خاتمی در مسجد حوض لقمان مشهد حمله کردند و پس از مضروب کردن جمعی از حضار و تخریب در و پنجره های مسجد از ادامة سخنرانی خاتمی جلوگیری کردند. گروهی از شرکت کنندگان در این جلسه با صدور بیانیه‌ای «عمل غیر قانونی و غیر شرعی و دور از اخلاق عده‌ای انگشت شمار که سخنرانی حجت الاسلام خاتمی به ما ضربه بزنند چرا باید خودمان این قدر بی توجه باشیم که موقعیت را نفهمیم، ارزش و عظمت جمهوری اسلامی را نشناسیم و به خاطر متفاق سیاسی گروه خود همه می‌چیز را بی اعتبار کنیم... جای تأسف است که توسط ایشان [مهدوی کنی] آنهم در دارالزهد مشهد جناب آقای موسوی خوئینی‌ها و آقای خاتمی را زیر ستوال بینند. ما ناجاریم اینجا یک اشاره‌ای بکنیم که همان اول انقلاب پیاوید بینینم اصل‌چه کسانی بودند که مقابل گروه‌های لیبرال ایستادند و مقابله‌چه کسانی بودند که با آنها مماشات می‌کردند؟ چه کسانی از ولایت دفاع کردند؟ خوب برادر محترم و عزیز و سرور من، بنی صدر که ماها را فالاتر می‌دانست شما را وزیر کشور خودش کرده بود. همان موقعی که آقای دعایی، آقای میرحسین موسوی، آقای خاتمی، آقای ناطق نوری و آقای نوربخش هر کدام اینها برای وزارت معرفی شدند به هیچ صورتی بنی صدر قبول نکرد اما جنابعالی را پذیرفت. اساساً اختلاف نظری که بنی حزب جمهوری اسلامی و اکریت روحانیت مبارز در آن زمان بود بخطار دفاعی بود که متأسفانه از سوی همان اکریت اعضاء روحانیت مبارز از بنی صدر صورت می‌گرفت...». کروپی سپس در پاسخ به این هشدار مهدوی کنی که ممکن است شرایطی مانند مشروطیت پیش آید و روحانیت کنار زده شود، از جمله گفت: «امر روز نظام ما که در رأس امام بود و تمام نهادها را با این استحکام جانداخت و امروز ولی فقیه در رأسش هست که نزدیک ترین شخصیت به امام و انقلاب است... چطور می‌شود که مشروطه نکار شود؟ امروزی که در رأس قوه اجرائی اش حضرت حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی که از نیروهای اولیه انقلاب و مورد عتابت حضرت امام بوده و روحانی است و... نظام که این سپاه باسداران نیرومند و دیگر نیروهای مسلح به این

رویدادهای ایران



«شما وزیر گشور بنی صدر بودید!»

با نزدیک تر شدن تاریخ انتخابات در گیری ها میان جناب‌های حاکمیت نیز تشیدید می‌شود. در پی سخنرانی‌های مهدوی کنی و حمله او به خاتمی، کروپی دیگر مجمع روحانیون مبارز، در مصاحبه‌ای طولانی با روزنامه همشهری سه شنبه ۲ اردیبهشت، مطالب جالبی در پاسخ به مهدوی کنی و مواضع این گروه بیان کرد که خلاصه‌ای از آن به شرح زیر است.

کروپی در مورد ضرورت هوشیاری نامزدهای ریاست جمهوری و خراب نکردن هم دیگر در جریان

انتخابات ضمن اشاره به جریان دادگاه برلین از جمله گفت: «شما ببینید الان چقدر برنامه ریزی کرده اند...»

تا مشاییک اتهامی به ما بزنند. این دادگاه مقتضی میکونوس این توطنه ای است که حدود چهار سال روی آن کار شده... و به قول مقام معظم رهبری خیمه شب بازی مسخره‌ای راه انداختند تا متلا به ما ضربه بزنند

چرا باید خودمان این قدر بی توجه باشیم که موقعیت را نفهمیم، ارزش و عظمت جمهوری اسلامی را نشناسیم و به خاطر متفاق سیاسی گروه خود همه می‌چیز را بی اعتبار کنیم... جای تأسف است که توسط ایشان [مهدوی

کنی] آنهم در دارالزهد مشهد جناب آقای موسوی خوئینی‌ها و آقای خاتمی را زیر ستوال بینند. ما

ناجاریم اینجا یک اشاره‌ای بکنیم که همان اول انقلاب پیاوید بینینم اصل‌چه کسانی بودند که مقابل گروه‌های لیبرال ایستادند و مقابله‌چه کسانی بودند که با آنها مماشات می‌کردند؟ چه کسانی از ولایت دفاع کردند؟

خوب برادر محترم و عزیز و سرور من، بنی صدر که ماها را فالاتر می‌دانست شما را وزیر کشور خودش کرده بود.

همان موقعی که آقای دعایی، آقای میرحسین موسوی، آقای خاتمی، آقای ناطق نوری و آقای نوربخش هر کدام اینها برای وزارت معرفی شدند به هیچ صورتی

بنی صدر قبول نکرد اما جنابعالی را پذیرفت. اساساً اختلاف نظری که بنی حزب جمهوری اسلامی و اکریت روحانیت مبارز در آن زمان بود بخطار دفاعی بود که

متأسفانه از سوی همان اکریت اعضاء روحانیت مبارز از بنی صدر صورت می‌گرفت...». کروپی سپس در

پاسخ به این هشدار مهدوی کنی که ممکن است شرایطی مانند مشروطیت پیش آید و روحانیت کنار

زده شود، از جمله گفت: «امر روز نظام ما که در رأس امام بود و تمام نهادها را با این استحکام جانداخت و

امروز ولی فقیه در رأسش هست که نزدیک ترین شخصیت به امام و انقلاب است... چطور می‌شود که مشروطه نکار شود؟ امروزی که در رأس قوه اجرائی اش حضرت حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی که از نیروهای اولیه انقلاب و مورد عتابت حضرت امام بوده و روحانی است و... نظام که این سپاه باسداران نیرومند و دیگر نیروهای مسلح به این

ادامه: لینین انقلاب و حزب

ایدئولوژی جنبش طبقه کارگر دفاع کرد و بر اساس آن راه حل مسائل اساساً نوینی را که بشریت دوران ما با آن مواجه است، تدوین کرد. لینین داهیانه و مبتکرانه از اندیشه های مارکس و انگلیس دفاع کرده و آنها را بر پایه دستاوردهای علمی جدید گسترش داد، نقطه اوج فعالیت لینین بینانگذاری نخستین حزب انقلابی طبقه کارگر بود که نه تنها اندیشه های مارکسیستی را پذیرفت بلکه آنها را در عمل به کار بست و راه انقلاب سوسیالیستی را پیش گرفت و از پیروزی آن دفاع کرد. آموزش های لینین در رابطه با حزب انقلابی طبقه کارگر، ساختار و مبارزه انقلابی آن، از عمدۀ ترین های ارثیه انقلابی او برای جنبش کارگری است. لینین در اثر جاودانه خود «یک گام به پیش، دو گام به پس»، «روش دفاع، نقد و اصلاح نظام تسلیلاتی بدون سریعی از اصول حزب را مورد بررسی قرار می دهد». (۲)

لینین بر این اعتقاد بود که حزب تها می تواند کسانی را به صفوی خود راه دهد که حاضر به مبارزه ایشارگرانه در راه طبقه کارگر و تمامی زحمتکشان باشد و اهداف حزب را به میان توده ها ببرند. او معتقد بود که حزب انقلابی باید هر چه پیشرفت مشکل و متعدد باشد، و به همین دلیل باید مانع از آن شدت تعارض بی ثبات و بیگانه نسبت به امر طبقه کارگر و توده های زحمتکش به صفوی آن راه یابند. لینین در طی سخنرانی خود در کنگره دوم حزب گفت: «بهر است ده نفر مبارز داشته باشیم بی آنکه خود را عضو حزب بخوانند (و مبارزان واقعی در بی عنوان نیستند) تا آنکه به اهل حرف امکان دهیم که به عضویت حزب در آیند». (۳) او معتقد بود که عنوان عضویت که برای هر عضو حزب افتخار و مسؤولیتی سنجین در بردارد، مستلزم کارفعالانه و تعهد شخصی برای به اجرا در آوردن رهنمود های حزب است و پیوستن به حزب موضوعی صوری نیست، بلکه با مبارزه سیاسی و اهداف انقلابی آن ارتباط دارد.

در نظام موازین لینینی سازمان حزب تقویت انصباب حزبی و تبعیت کلیه سازمان های حزبی از ارگان های بالاتر جای خاصی را به خود اختصاص می دهد. لینین در انتقاد از موضع آنانی که در مقابل وحدت تشکیلاتی حزب از خود مختاری سازمان های پایه حزب دفاع می کردند صریحاً اظهار می داشت: «... اما من هنوز کمی شوم که این گزارش انکار نایدیر به دفاع از خود مختاری در برابر مرکزیت یکی از ویزگی های اصلی اپورتونیسم است...». (۴) «خودداری از تن داد به رهبری ارگان های مرکزی مساوی است با رد عضویت در حزب، مساوی است با تخریب حزب...». (۵)

لینین در اثر جاودانه خود «یک گام به پیش، دو گام به پس» تئوری مارکسیستی وحدت حزب را تکامل بخشید. وی شان داد که درک واحد از جهان واحد باید شالوده وحدت سازمانی باشد. اما این به تنهایی کافی نیست. صفوی حزب نیز باید متعدد باشد. «وحدت حزب در مسائل مربوط برنامه و تاکتیک شرط لازم ساختمان حزب و تمرکز فعالیت آن است، ولی شرط کافی نیست برای نیل به این منظور وحدت سازمانی نیز لازم است». (۶)

- ۱- و.ا. لینین. مجموعه آثار، انتشارات پروگرس. مسکو، ۱۹۶۷، جلد ۴، صفحه ۲۱۱
- ۲- و.ا. لینین، «یک گام به پیش، دو گام به پس»، جواب لینین به روزا لوکزامبورگ
- ۳- و.ا. لینین، گفتگوها و سخنرانی ها هنگام مباحثه پیرامون اساسنامه حزب سال ۱۹۰۳
- ۴- و.ا. لینین، «یک گام به پیش، دو گام به پس»، «ایسکرای تو» اپورتونیسم در مسائل سازمانی
- ۵- همانجا
- ۶- همانجا

ادامه روزبه حماسه جاودان

روزبه بررسی ها و مطالب ارزشمند کمی انتشار نیافته است، بویژه حزب ما و رفقاء توده ای در این زمینه تا آنجا که مقدور بوده دین خود را به این جهه پر افتخار حزب و جنبش ادا کرده اند. آنچه به عنوان خط سرخی در سراسر زندگی این اقلایی نشته به چشم می خورد، وفاداری خارجین، ایمان بی خال، فروتنی اصیل در امر مردم و مهین و عشق آتشین به سعادت و خوشبختی کارگران و زحمتکشان است. فضایی که به حق از او شخصیت کم نظری، ناب و یگانه آفرید و موجب آن شده است که مایه افتخار حزب مردم محسوب شود.

می گویند، تاریخ دشوارترین و دردناک ترین وظایف را برودوش بهترین انسان ها می گذارد و این سخن گرافه ای نیست. روزبه یکی از این بهترین ها و نمونه عالی آن است. او در یکی از سخت ترین ادوار تاریخ عاصر ایران، در شرایط سلط خوبنار رژیم کودتا و در اوج شکست و عقب نشینی جنبش، رسالت تاریخی عظیمی را برودوش گرفت و با ایشاره جان خود، آن را به سرانجام رساند. روزبه با مبارزه و شهادت قهرمانه فضای یاس آسود خفغان را شکست و سرزندگی و نامیرایی مبارزه را نشان داد. به قول زندۀ یاد رفیق فقید احسان طبری: «خسرو روزبه توانست با ایشاره خود سد انحطاط و تسليم را در جامعه ما متوقف کند». و سپس می افزاید: «تاریخ پای خود را بر شانه انسان ایثارگر می فسرد و سپس فراتر می رود، ایشاره پله تکامل است ...» و درست به دلیل همین حقیقت است که روزبه به حق قهرمان ملی نام گرفته است.

نکته حائز اهمیت اینجاست که در دوران کنونی نیز خسرو روزبه به عنوان سمبول رزم و پایداری مطرح است و نام و راه او الهام گر تماشی جان های شیفتنه ای است که آزادی و عدالت را آماده خود قرار داده اند، و نیز به همین علت و نقش نازدودنی است که رژیم واپسگرای ولایت فقیه در مبارزه حساب شده و سیستماتیک خود علیه جنبش چپ و در راس آن حزب توده ایران، خسرو روزبه، نقش و جایگاه تاریخی او و شخصیت و مبارزه او را هدف قرار داده است! از همان فردای بورس به حزب ما، در کنار شکنجه، زندان و اعدام توده ای ها، شکنجه گران و کاتبان حرفه ای و وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی دست به کار تحریف و جعل تاریخ و سیاست و مبارزه حزب که در واقع تاریخ پیکار کارگران و دهقانان ایران است زندند. ده ها خواره ها، گزارش و خاطره حتی به نام افراد منتشر ساختند. یکی از مهمترین و کلیدی ترین نکات در این نوع «تاریخ نگاری» آسود و بی اعتبار نمودن چهره های بزرگ و نامدار حزب و جنبش بویژه چهره اسطوره ای رفیق خسرو روزبه می باشد. هیچکدام از این به اصطلاح «تاریخ ها» صفحه و سطری نیست که روزبه و اتهام و تهمت زدن به او نوشته نشده باشد.

با القای همانند «تروریست»، «ماجراجو»، «آوانتوریست»، «خودخواه» و غیره کوشش شده است، این سمبول از زندۀ ناب مبارزه، خدشه دار شده و از میان برود!

بر پا کنندگان کارزار توده ای سیزی در هر نگ و لباسی، ضد کموئیست های حرفة ای و مرتجلعنی به خوبی می دانند، برای مقابله موثر با نفوذ معنوی نیز و مند حزب ما و به زعم خود «ریشه کن کردن» آن، علاوه بر بند، زنجیر، شکنجه، ترور و اعدام، تاریخ حزب و چهره های سترگ آن را باید با اسلوب های «نوین» و «اکادمیک» و البته به سختی مورد حمله قرار داد. و تحریف ناقص کرد. رژیم «ولایت فقیه»، خاطره نویسان و دستیاران رنگارانگ آن نیک بی برده اند که باید اسطوره روزبه را خرد کرد، بی اعتبار ساخت و از آن گذشت تا بتوان کارنامه حزب طبقه کارگر را با انواع دروغ ها و افتراءها «زشت» جلوه داد و سپس آن را «دفن» کرد. هدف حذف پیشنهاد گرانبهای تاریخی است که روزبه شاخص آن است این تاریخ را باید حدف کرد تا نسل های حال و آینده تواند از این پیشنه و تجربیات ارزشمند، عالی و بی بدیل بیاموزند و آن را به کار بگیرند.

پقول رفیق شهید، قهرمان فنا نایدیر رحمن هائقی (حیدر مهرگان)، «روزبه سرود اسطوره ای است که در سر هر پیچ تاریخ، ایفاگر نقش خونین خویش را نظرارزی کشد».

باید با قاطعیت گفت، رژیم ولایت فقیه هم چون سلف سلطنتی خود سخت بر خط است زیرا به تاریخ می توان دروغ گفت اما تاریخ دروغ نمی گوید. تاریخ فرزندان نامدار و صدیق خود را فراموش نخواهد کرد، آن ها در قلب و آرزوهای شریف مردم زندگی جاودانه دارند. خسرو روزبه، مبارزه او و حزب پیکارگر او، علیرغم تمامی ترفندها و توطئه های اهریمنی امپریالیسم و ارتقایع به زندگی و مبارزه حود ادامه می دهند. روزبه حماسه جاودانه ای است که مشعل اذرگون نبرد برای خوشبختی انسان ها را همواره شعله و روش نگاه می دارد. نام و راه و مبارزه روزبه با استواری ادامه دارد.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران

لنین، انقلاب و

حزب

پله فناسپت سالنگرد تولد رهبر کبیر
پرولتاپای جهان



بخشد.

در این دوره تاریخی بورژوازی از مزایای یک دوره نسبتاً طولانی تکامل «مالامت آمیز» سرمایه داری که شاخص آن بهره گیری از رونق فعالیت های اقتصادی در جهت ترویج تصورات رفرمیستی و قانون گرایانی در صفوں توده ها و ترغیب پرولتاپای به همکاری با بورژوازی بود، استفاده کرد و سعی داشت که از این طریق مناسبات اجتماعی منسخ بورژوازی را حفظ و ابدی نماید. سیاستمداران و ایدئولوگ های بورژوازی کارزار افسار گیخته ای را برای منحرف کردن طبقه کارگر از مبارزه در راه رهایی اجتماعی همه زحمتکشان آغاز کرده بودند.

اهمیت کار عظیم علمی و تئوریک لنین در این بود که او توائیت علی رغم عدول رهبران بزرگ ترین احزاب سوسیال دموکرات اروپای غربی از مواضع مارکسیسم اقلاقی و فنی کلیدی ترین اصول آن با تحلیل شرایط سرمایه داری امپریالیسم به مثابه عالی ترین و آخرین مرحله تکامل سرمایه داری را تعریف و با تعیین مشخصه های آن لزوم مبارزه اقلاقی در جهت سرنگونی آن و استقرار سوسیالیسم را تصریح کند.

لنین خاطر نشان کرد که رهبران سوسیال دموکرات همچون برنشتین «به پرولتاپای نه روش های نوین مبارزه، بلکه فقط عقب نشینی را می آموزند... آنها به جای نظریه مبارزه، نظریه امتیاز دادن- آن هم امتیاز دادن به نظر ناک ترین دشمنان پرولتاپای، یعنی احزاب و دولت های بورژوازی را که هرگز از تلاش در راه یافتن روش های نوین سکوب سوسیالیست ها خسته نمی شوند، موضعه می کنند». (۱)

لنین نابغه ای بود با ذهنی نیرومند و همه جانبه که شناختی فوق العاده عمیق از مارکسیسم داشت. او به مثابه یک ماتریالیست و دیالکتیسین توائیت روندهای عینی دوران، قوانین حاکم بر تکامل امپریالیسم و سوسیالیسم را دریابد. در عین حال او مکانیسم ظرفی شکل گیری و عملکرد عوامل ذهنی در تاریخ معاصر و مکانیسم مبارزه طبقاتی و انقلاب را دریافت.

آثار تئوریک لنین از جمله «دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک»، «چه باید کرد»، «چپ روی»، «بیماری کودکی در جنبش کمونیستی» و «دولت و انقلاب» از پرماهیه ترین اسناد علمی در رابطه با انقلاب سوسیالیستی و عملکرد نیروهای سیاسی مختلف است. در این آثار ابعاد شخصیت لنین به مثابه یک اندیشمند اقلاقی، یک مرد عمل اقلاقی، نظریه پرداز نابغه و رهبر سیاسی و سازمان دهنده مبارزات توده های خلق به شکل موثری منعکس می شود. او بر پایه درک عمیق خود از مارکسیسم و مطالعه تحولات اقتصادی- اجتماعی سرمایه داری در سال های پایان قرن نوزدهم، اندیشه متهره راه خود را در اینکه سرمایه داری به مرحله امپریالیسم، عالی ترین و آخرین مرحله تکامل سرمایه داری رسیده است، مطرح نمود. او بر پایه درک علمی خود از مشخصه های امپریالیسم امکان پیروزی سوسیالیسم در یک کشور واحد و نیز امکان انجام انقلاب و ساختمندان سوسیالیسم در کشوری با سطح متوسط رشد را مطرح کرد.

لنین با تدوین نظریه امپریالیسم عملی رویزیونیسم حاکم بر سوسیال دموکراسی را که نافی ضرورت انقلاب سوسیالیستی بود افشاء کرد. برنشتین، بینانگذار رویزیونیسم، برخلاف انگلیس که ظهور سرکت های سهامی، تراست ها و کارتل ها را در دوره جدید رشد سرمایه داری، دلیل مقاعد کننده ای بر صحبت نظریه مارکس در زمینه نقش تمرکز تولید در روند اجتماعی شدن تولید و به دنبال آن پیدا شیش پیش شرط های مادی سوسیالیسم می دانست، برآن بود که پیدا شیش چنین موسساتی نشانه دگرگونی سرشت سرمایه داری است. برنشتین مدعا بود که سرمایه داری بر هرج و مرچ و تولید فائق آمده و اکنون امکان دستیابی بر «سوسیالیسم در چارچوب جامعه بورژوازی موجود» وجود دارد.

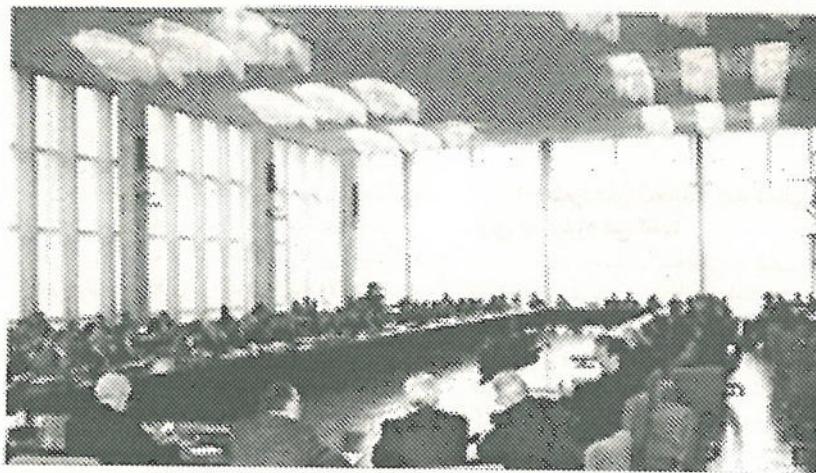
لنین با وارد کردن ضربه سهمگینی بر اپورتونیسم، از مارکسیسم اقلاقی به مثابه

«نام من ولادیمیر ایلیچ اولیانوف است. من روز ۲۲ آوریل ۱۸۷۰ در سیمیرسک زاده شدم. در بهار ۱۸۸۷ برادر بزرگتر آلسساندر توسط تزار الکساندر سوم به جرم کوشش برای ترور او (اول مارس ۱۸۸۷) اعدام گردید. در دسامبر ۱۸۸۷ برای اولین بار دستگیر و به دلیل شرکت در ناآرامی های دانشجویی از دانشگاه فازان اخراج شدم. پس از آن از قازان تبعید شدم. در دسامبر ۱۸۹۵ برای دو میان بار به دلیل انجام تبلیغات سوسیال دموکراتیک در میان کارگران سنت پترزبورگ دستگیر شدم». این سطور را لین، رهبر کبیر و انقلابی پرولتاپای جهان در پاسخ به نامه ای که در بهار ۱۹۱۷ از سربازان واحد ۸ توبخانه دریافت کرد به تحریر در آورد. لنین در این هنگام پس از یک دوران طولانی مهاجرت اجماری، در فوریه ۱۹۱۷ و پس از اینکه انقلاب به سلطه تزار پایان داده بود، در میان استقبال دهها هزار کارگر، سرباز و ملوان انقلابی به پتروگراد بازگشته بود. همه سربازان انقلاب می خواستند در مورد لنین بیشتر بدانند. آنها نمی دانستند که «لنین» یک نام مستعار بود. در حقیقت ولادیمیر ایلیچ لنین در دوران سلطه تزار برای گریز از زیر تغی سانسور از بیش از ۱۶۰ نام مستعار استفاده نمود. نیکلای لنین نامی بود که او پیش از همه نامها از سال ۱۹۰۱ به بعد استفاده کرد. سربازان انقلابی واحد ۸ توبخانه در نامه ای به شورای کارگران پتروگراد می خواستند بدانند «... اصل و نسب او چیست؟ کجا بوده است؟ برای چه او تبعید شده بود؟ چگونه به روییه برگشته و در حال حاضر چکار می کند؟ به این معنی که آیا فعالیت های او به نفع و یا به ضرر ماست؟»

لنین در پاسخ به سربازان گفت که او حاضر به پاسخ گویی به تمامی سوالات آنها است «بجز آخرين آنها، به خاطر اینکه این به شما مربوط است که قضاوت کنید آیا فعالیت های من هیچ فرعی برای شما دارد؟»

در ۸۰ سال گذشته قضاوت میلیون ها تن از انقلابیون، عدالتگران و اندیشمندان جهان به لنین تقشی به مراتب فراتر از هر رهبر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی در تاریخ داده است. این قضاوت عادلانه به دلیل تقشی است که لنین در تدارک نظری و عملی و رهبری انقلاب سوسیالیستی در روییه ایفاء نمود. با انقلاب کبیر اکابر بشدت به دوران جدیدی گام نهاد و این نوع انقلابی لنین بود که چنین انقلابی را به پیروزی رساند. نام لنین در جهان متراծ با انقلاب، سوسیالیسم و پیشرفت اجتماعی است. انقلابیون در پنج قاره جهان به او احترام می گذارند. و این در حالی است که ارجاعیون و نمایندگان طبقات ستمگر و استعمارگر نفرت خود را از او آنی پنهان نکرده اند. سه ربع قرن پس از مرگ لنین، تزها و نتیجه گیری های هوشمندانه او از تحولات تاریخی و مبارزه تئوریک او علیه دیدگاه های انحرافی از مارکسیسم مورد استفاده و استناد گردان های عمدۀ مبارزه بشیریت برای پیشرفت اجتماعی و عدالت سوسیالیستی است. اینکه پس از ۷ سال بعد از شکست سوسیالیسم در کشورهای اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق، مجسمه ها و بنایهای یاد بود لنین در این کشورها علی رغم اقدامات رسوای حکومت های فاسد کنونی پا بر جا و مورد بازدید احترام آمیز توده ها است، خود دلیل روش بر اهیمت نقش تاریخ ساز لنین در نشان دادن نقش او در رهبری انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در بزرگداشت لنین سعی در نشان دادن نقش او در رهبری انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه می شده است. و لنین انقلابی بیشتر مورد تأکید بوده است. در نوشتار حاضر سعی می شود که به جنبه بسیار مهمی از خدمت او به جنبش انقلابی یعنی تولید آثار تئوریک و تدوین و بررسی اصول ساختار تشکیلاتی و موازین زندگی حزبی مختصرا اشاره ای بشود.

اهمیت خدمات لنین به جنبش کارگری جهانی در این است که او در کلیدی ترین مقاطع تحول سرمایه داری در سال های پایانی قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیست و مفوق شد نظریات مارکس و انگلیس پایه گذاران سوسیالیسم علمی را تکامل



پیام نمایندهٔ کمیتهٔ مرکزی

حزب تودهٔ ایران

به چهارمین

کنگرهٔ حزب کمونیست

فلدرا آنیو رو سیپیه

و بی حقوقی و حشتناکی که مردم و نیروهای مترقبی میهن ما در آن مبارزه می‌کنند. حزب ما علی رغم بورش های وحشیانه رژیم و کشتار صدها تن از اعضاء، هواداران و همچنین بخش وسیعی از رهبریش همچنان به مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری حاکم و برای دست یابی به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و حشتناکی در جامعه پیدید آورده.

رفقای گرامی

امسال نیروهای مترقبی جهان، هشتادمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثیر را که سیماهی جهان معاصر ما را دگرگون کرد جشن می‌گیرند. علی رغم فراز و نشیب ها، علی رغم عقب گردها ما اعتقاد راسخ داریم که مبارزه طبقه کارگر برای رهابی کار آزار بندهای سرمایه تا پیروزی نهایی ادامه خواهد داشت. جنبش جهانی طبقه کارگر برای دیگر در رأس این مبارزه قرار گرفته است و برای آینده، آینده سوسیالیستی پیکار می‌کند. در این مبارزه مشعل راهنمای ما تاریخ غنی و پرافتخار جنبش جهانی کارگری و کمونیستی و سلاح برندۀ ما جهان بینی مارکسیسم-لنینیسم است. ما اعتقاد راسخ داریم که چهارمین کنگره شما با موقوفیت وظیفه حساس و تاریخی خود برای تعیین و تدقیق خطوط مبارزاتی جنبش کارگری و نیروهای مترقبی در رو سیه به انجام خواهد رساند و راه را برای تشید مبارزه برای استقرار سوسیالیسم خواهد گشود. حزب توده ایران، حزب کمونیست رو سیه فدراتیو، همواره از روابط بسیار نزدیک، گرم و رفیقانه ای که از آرمان های مشترک ما در راه پیروزی طبقه کارگر نشأت می‌گیرد بهره مند بوده اند این روابط بی شک در آینده بیش از پیش گسترش خواهد یافت. اجازه دهید تا برای دیگر برای کنگره تان آرزوی موقوفیت و پیروزی کمی و همیستگی رزمجوانه خود را با شما و نیروی های مترقبی کشور تان اعلام داریم.

زنده باد انتر ناسیونالیسم پرولتاری!

زنده باد روابط رفیقانه میان حزب توده ایران و حزب کمونیست رو سیه فدراتیو! کمیتهٔ مرکزی حزب توده ایران

رایگان، مسکن، کار، سطح زندگی مناسب و عدالت اجتماعی بهره مند بودند، در شرایط حکمرانی سرمایه داری، امروز عقب ماندگی، فقر، محرومیت، جنایت و حاکمیت باندھای مافیایی زندگی را بر میلیون ها انسان زحمتکش سیاه و تلخ کرده است و نابرابری اجتماعی و حشتناکی در جامعه پیدید آورده است.

ما از صمیم قلب از مبارزات دلیرانه شما، طبقه کارگر و زحمتکشان رو سیه برای متوقف کردن این روند فاجعه بار دفاع می کنیم و همیستگی رزمجوانه خود را با شما اعلام می کنیم. مبارزات ماههای اخیر میلیون ها کارگر و زحمتکش رو سیه به رهبری نیروهای مترقبی کشور شما و در رأس آن کمونیست ها نشان داد که طبقه کارگر و زحمتکشان رو سیه نیز مصمم اند تا با تمام توان در مقابل سرمایه داری جهانی و عمل داخلي آن بایستند. حزب کمونیست رو سیه نیز در این روند بار دیگر نشان داده است که تنها نیروی سیاسی منسجم با برنامه مشخص برای نجات کشور است و تنها نیروی سیاسی است که می تواند پیگیرانه و خدشه تا بذیر از حقوق کارگران و زحمتکشان پیگیرانه دفاع کند. حزب لینین زنده است و به پیکار قهرمانانه خود ادامه می دهد.

رفقای عزیز

کشور ما نیز شرایط دشوار و حساسی را از سرمه گذراند. هجده سال پس از انقلاب ملی و دموکراتیک ۱۳۵۷، که با هدف استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در کشور ما به پیروزی رسید، واقعیات سخت و نکان دهنده امروزین آن با این آرمان ها و اهداف فرسنگ ها فاصله دارد. میلیون ها کارگر، زحمتکش و بخش های عظیمی از جماعت کشور، در فقر، محرومیت و شرایط بیش از پیش دشوار و غیر انسانی به سر می برند. حتی بر اساس آمار رسمی خود رژیم نزدیک به ۴۰ درصد جمعیت زیر خط فقر بر سر می برند.

افزون بر این ایران امروز در چنگال یک رژیم دیکتاتوری قرون وسطی که تمامی حقوق و آزادی های دموکراتیک مردم را به شدت سرکوب و دگراندیشان را دستگیر، شکجه و اعدام می کند اسراست.

حکم اخیر دادگاه برلین مبنی بر دست داشتن سران رژیم جمهوری اسلامی در ترور مخالفان در خارج از مرزهای ایران، نشانگر شرایط دشوار و بی قانونی

رفقای عزیز

اجازه دهید تا به نماینده‌گی از سوی کمیتهٔ مرکزی حزب توده ایران درودهای گرم و رزمجوانه خود را به شما شرکت کنندگان در چهارمین کنگرهٔ حزب کمونیست رو سیه فدراتیو و تمامی نیروهای مترقبی که برای یک آلت راتایو مترقبی و سوسیالیسم در رو سیه مبارزه می کنند تقدیم کنیم.

کنگره شما با توجه به اوضاع بین المللی و مبارزات جبش کارگری در رو سیه در شرایط بسیار حساس و بغرنجی برگزار می شود. در شرایط پس از فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم در اروپای شرقی و اتحاد شوروی، امپریالیسم جهانی در تلاش است تا هژمونی سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را بر کشورهای جهان تحمل کند و شرایطی را فراهم آورد که روند استقرار سرمایه داری در کشورهای سابق سوسیالیستی برای مدت‌های طولانی بازگشت نایاب شود. انتخابات ریاست جمهوری رو سیه در سال ۱۹۹۶، نشان داد که امپریالیسم در ابعاد بسیار گسترده و بی سابقه ای آمده است تا در امور کشورهای مستقلی مانند کشور شما دخالت آشکار کند تراه پیروزی نیروهای مترقبی و خصوصاً در مورد رو سیه پیروزی کمونیست ها را به مشاهه تها نیروی پیگیر مدافعان حقوق کارگران و زحمتکشان سد کند.

سرمایه انصاری مصمم است تا چنان شرایط اقتصادی، سیاسی و نظامی را در کشور شما فراهم آورد که بازگشت نیروهای مترقبی و در رأس آنها کمونیست ها را به قدرت دشوار و غیر ممکن نماید. گسترش سریع پیمان تجاوز گر ناتو به کشورهای اروپای شرقی و روند واپسی شدن بیش از پیش افتصادی کشورهای اروپای شرقی به سرمایه انصاری و برنامه وسیع و سازمان یافته برای تابود کردن تمامی دست آوردهای اقتصادی - اجتماعی سوسیالیسم در این کشورها بخشی از این ترفندها و توطه های خطرناک است.

در چنین شرایطی است که کمونیست های رو سیه مبارزه خود را به پیش می برند. مردم کشور شما از جمله نمونه های نادری در تاریخ معاصر هستند که تجربه زندگی در جامعه سوسیالیستی و سرمایه داری را در کارهم دارند. تقاضا میان این دو سیستم و تجربه ای که خلق های رو سیه در چند سال اخیر با پوست و گوشت خود احساس کرده اند، نمی توانست تکان دهنده و دردناک نباشد. در شرایطی که مردم در جامعه سوسیالیستی از بهداشت و آموزش عمومی

پنجمین دوره مجلس نامه‌زدی دکتر سعیدی مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت). در همین هفته‌های اخیر دکتر سعیدی، علی اکبر معین فرو ابراهیم یزدی در بیانیه مشترکی که در تهران انتشار دادند به عدم سلامت شرایط انتخابات اعتراض کردند و از جمله یادآور شدند: «با گذشت پنجاه روز از اعلام نامه‌زدی ما برای انتخابات و رسیدن به روزهای مقرن ثبت نام با انواع تنگناهای، موافع و محرومیت‌ها مواجه یوده ایم. در خلال این مدت در تمامی مکان‌های عمومی برای ایراد سخنرانی به رویمان بسته بوده است: همچنانکه مکان‌های خصوصی نیز به دلیل احساس ناامنی متصدیان آنها برایمان گشوده نیست...» این اطلاعیه سپس ضمن اشاره به سانسور اخبار مربوط به نامه‌زدی و برنامه‌های این سه تن در مطبوعاتی که «تماماً در اختیار و تملک جریانات مختلف درون حاکمیت می‌باشد به نوعی تحریم خبری» اضافه می‌کند که «در روزهای اخیر حتی نشریات معتقد تر و ظاهراً مدافعان آزادی نیز از درج آگهی سخنرانی ها سریاز زده اند...».

از فرون بر این در مورد حد و حدود پایبندی رژیم به آزادی و حقوق دموکراتیک افراد همین کافی است که اشاره کنم در پی یورش، دستگیری و نمایشات تلویزیونی رژیم علیه تویستندگان در ماه‌های اخیر، ارگان‌های سرکوبگر رژیم «ولایت فقیه» حتی اجازه خروج از کشور را به دکتر پیمان ندادند و در پی اعتراض دکتر پیمان او را حتی از کار خود در دانشگاه بازنشسته کردند.

از آچه که گفته شد، می‌توان چند نتیجه اساسی گرفت. نخست اینکه انتخابات ریاست جمهوری مانند انتخابات مجلس در نبود کامل آزادی و ادame حاکمیت ترور و اختناق در میهن ما برگزار می‌شود. وی شک مانند پنجمین دوره انتخابات مجلس اهرم‌های مانند شورای نگهبان، وزارت کشور، ارگان‌های سرکوبگر وغیره به کار گرفته خواهد شد تا انتخابات در چارچوب نامه‌زدای «خودی» با موقوفیت برگزار شود. دوم اینکه برخورد میان دو گروه اساسی حاکمیت در گیر در انتخابات، عمدتاً بر سر تصاحب قدرت اجرایی و برنامه‌های این دو گروه برای حفظ و تثبیت رژیم «ولایت فقیه» است. در واقع حق انتخاب مردم در میان نامه‌زدای «خودی» تنها به برداشت‌های گوناگون بر سر چگونگی حفظ و تثبیت رژیم «ولایت فقیه» محدود می‌شود.

بر اساس آچه که گفته شد بدینه است که انتخابات ریاست جمهوری آینده و نتیجه آن تواند پاسخی به انبوی مسائل و عضلات کشور بدهد. عدمه ترین هدف این انتخابات از دیدگاه جناب ای حاکمیت و سران رژیم تأمین شرایط برای حفظ و ثبات بخشیدن به رژیم «ولایت فقیه» و موجه نشان دادن از طریق کشاندن افسار وسیع مردم به پای صندوق‌های رأی است.

کوتاه سخن تصور اینکه می‌توان با حفظ ساختار استبدادی و ضد مردمی «ولایت فقیه» و لایحه ای جایگایی مهربه ها در راضی قدرت اجرایی به تحول بنیادین به نفع آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و منافع توده های محروم گامی اساسی برداشته شود، توهی است که دامن زدن به آن تنها به طولانی تر شدن استبداد در میهن ما می‌رساند.

این روند به رقم تحمیل برخی هزینه ها به نظام، در مجموع و به خصوص در بلند مدت به تحکیم و اقتدار نظام کمک خواهد کرد...» (هفته نامه عصر ما - شنبه ۲۳ فروردین ماه ۱۳۷۶).

۲- نامه‌زدای انتخاباتی چه کسانی هستند و برای چه مبارزه می‌کنند؟

در میان نامه‌زدای انتخاباتی دو طبق مشخص را می‌توان از هم تمیز داد. طیف نامه‌زدای (به قول سرمقاله نویس روزنامه رسالت و عصر ما) «خودی»، طرفداران و مدافعان رژیم «ولایت فقیه» که سرشناس ترین افراد این طیف را ناطق نوری (نامه‌زد گروه هیأت‌های موافقه، جامعه روحانیت مبارز)، خاتمی (نامه‌زد مشترک طرفداران رفسنجانی - کارگزاران سازندگی، و ائتلاف نیروهای «خط امام» مانند «جمع‌روحانیون مبارز»، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی...)، و ریشه‌ری ریس سابق سازمان امنیت رژیم، ریس دادگاه‌های انقلاب و صادر کننده احکام اعدام ده ها مبارز راه آزادی از جمله افسران دلاور توده ای تشکیل می‌دهند. در مورد برنامه این سه تن از آنچه که تاکنون در مطبوعات انتشار یافته است چند ویژگی مشخص را می‌توان تمیز داد. اول «محوری دانستن ولایت فقیه» به عنوان ستون اساسی حفظ «نظام کوئی» و دوم ادامه سیاست‌های کلان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی «سردار سازندگی» و یا به عبارت دیگر ادامه همان سیاست‌های خانمان براندازی که در بالا به آن اشاره شد. در میان این سه تن از هم اکنون روشن است که با توجه به اینکه ریشه‌ری در جریان انتخابات مجلس حتی تنوانت به دور دوم راه پیدا کند جدال اصلی میان ناطق نوری و خاتمی در جریان است. تفاوت اساسی میان این دورا می‌توان در چگونگی برخورد به آینده «نظام»، و یا به عبارت دقیق تر «حفظ و ثبات» بخشیدن به «نظام ولایت فقیه» خلاصه کرد. در حالی که ناطق نوری و شرکاء معتقد به تشدید سرکوب، فشار و در مجموع «اسلامی تر» کردن همه جانبه حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور هستند و معتقد به بسط سیاست‌هایی مانند «اسلامی کردن دانشگاه ها» تشدید فشار علیه زنان و غیره هستند طرفداران خاتمی معتقدند که می‌باشد برای جلوگیری از اتفاقات، فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را کمی باز کرد و تا آجایی که «خط نظام را تهدید نمی‌کند» فشار همه جانبه بر جامعه را اندکی تخفیف داد.

سرمقاله نویس هفته نامه عصر ما همین مسأله را این گونه توضیح می‌دهد: «حضور نامه‌زدای روحانی تنها بیانگر تنوع گرایشات سیاسی موجود در درون نظام است. تنوعی که ناشی از تفاوت دیدگاه در تحلیل شرایط موجود و ارائه راهکارهای مناسب توسط هریک از آنهاست...» (عصر ماه شنبه ۲۳ فروردین ۱۳۷۶).

در مقابل طیف طرفداران رژیم «ولایت فقیه» نامه‌زدای غیر «خودی» قرار دارند که سرشناس ترین افراد آن را می‌توان دکتر حبیب الله پیمان، دکتر سلحشوری و دکتر ابراهیم یزدی رهبر نهضت آزادی دانست. با توجه به تجربه پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی بعید بنظر می‌رسد که شورای نگهبان صلاحیت هیچ‌کدام از این افراد را برای شرکت در انتخابات تأیید کند. (در انتخابات

ادامه ملاحظاتی پیرامون انتخابات...

یک روند چند ماهه نیروهای طرفدار رفسنجانی با نیروهای «خط امامی» که خود زمانی از حاکمیت پاکسازی کرده بودند ائتلاف کردند تا جلوی تصرف انصاری قدرت سیاسی توسعه گروه رسالت را سد کنند. نکته اساسی دیگری که در این زمینه می‌باشد به آن توجه کرد این است که برخوردهای جناب‌های گوناگون رژیم «ولایت فقیه» حتی در موقعی که شدت ویژه ای به خود می‌گیرد، در انتها یک عامل اساسی و کلیدی را مبنای حرکت خود قرار می‌دهد و آن حفظ رژیم «ولایت فقیه» و ساختار کوئی حاکمیت روحانیت رویه‌ریز ماست. در این حارچ‌خوب به ویژه نقش خانمه ای به عنوان «دواز» این برخوردها، یعنی همان کاری که خمینی در زمان خود انجام می‌داد و گاه این جناب را تسبیح می‌کرد و گاه از دیگری دفاع می‌نمود این روزها به سکل روشنی تری به پیش می‌خورد. دیدار ناطق نوری با خانمه ای و سفارش او به ناطق نوری می‌باشد که بدو توجه به جو سازی ها به کار خود ادامه بده از یک سو و سپس دیدار خاتمی با خانمه ای و کسب اجازه خاتمی از خانمه ای برای شرکت در انتخابات از سوی دیگر از نمونه های جالب این مانورها است. تعیین ترکیب «مجتمع تشخیص مصلحت نظام» و گنجاندن نمایندگان گوناگون طرفدار رژیم «ولایت فقیه» در این مجتمع علی رغم تعلقات جناب‌های آنان بازدیگر این اصل را تأکید می‌کند که هیچ‌گونه لطمہ ای به مسئله حفظ «نظام ولایت فقیه» و حاکمیت روحانیت وارد نیاورد. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در بیانیه خود مبنی بر دفاع از نامه‌زدی خاتمی این شرایط را چنین توضیح می‌دهد: «نظام جمهوری اسلامی، پس از پیروزی انقلاب و طی مراحل گوناگون تأسیس، استقرار، اینک مرحله تحکیم و تکامل خود را می‌پیماید؛ در این مرحله با خروج از مراحل جنینی و پشت سرگذاردن جنگ تحملی و سرکوب ضد انقلاب ترویست و تجزیه طلب، شرایط برای حاکمیت کامل قانون.... فراهم آمده است». به عبارت دیگر شرط پشت سرگذاشتن مراحل خوبین و استقرار نظام همین سرکوب همه احزاب و گروه انسان آزادی خواه و سرکوب همه احزاب و گروه های دگر اندیش بود و امروز دست رژیم باز تر شده است که برنامه برای تحکیم «نظام» را به مرحله اجراء درآورد. این بیانیه از این نیز فراتر می‌رود و از روی آوردن گروه های سرکوب شده به قبول چارچوب «نظام» صحبت می‌کند: «گروه های مخالف نیز به این نتیجه رسیده اند که شرط عقل و راه پیشرفت در گروه فعالیت سیاسی و قانونی و رقابت فکری و سیاسی در چارچوب قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی است. رویگردانی از تحریم و اقبال به قبول واقعیت های موجود و مشارکت در ساز و کارهای سیاسی و قانونی از جمله در انتخابات ریاست جمهوری درس هایی است که مخالفان و دگراندیشان از تجربه تلغی و شکست خورده سال های پیشین خود آموخته اند. ما این تعلو و عبرت آموزی را نه تنها نفی و محکوم نمی‌کنیم بلکه آن را به نفع نظام جمهوری اسلامی ارزیابی می‌کنیم و معتقدیم

اعتراض به عدم سلامت شرایط انتخابات

اطلاعیه‌ای از سوی عزت الله سحابی، علی اکبر معین فر و ابراهیم بزدی در تهران پیرامون عدم سلامت شرایط انتخابات ریاست جمهوری انتشار یافت که در بخش‌هایی از آن از جمله آمده است: «همچنانکه خود نظاره گر بوده اید بیش از پانزده سال است که جریان انحصار طلب و تمامیت خواه حاکمیت با توسل به شیوه‌های ارتعاب و خشونت و بکار بستن رویه‌های اساساً غیر قانونی، حیات و بقای نیروهای فکری- سیاسی خارج از خود را تا مرز نابودی به خطر انداخته است. در طی این سال‌های تیره و غبار و بی شوق و بی بهار با شکستن قلمها، تعطیل جراید، بستن دفاتر، قفل زدن بر تربیتون ها و ایجاد تنگناهای روزافزون، آزادی به کنج عزلت و اسارت گرفتار آمد...»

اما به رغم آنچه گذشت... و به رغم آنکه قانون اساسی را که میثاق ملت و حاکمیت بوده موریانه خورده است. ما به عنوان نمایندگانی از جریان مستقل ملی- مذهبی بهقصد تحصیل آزادی های مصروف در قانون اساسی و مبارزه با انحصار طلبی فعال کردن مردم، برای دفاع از حقوق حقه خود دفاع تاریخی از موجودیت و هویت خویش و رسیدن به آستانه فعالیت‌های علی - قانونی به صحة هفت‌تمین انتخابات ریاست جمهوری گام نهاده ایم... بدین طریق به آگاهی شما مردم رنجیده می‌رسانیم با گذشت پنجاه روز از اعلام نامزدی ما برای انتخابات و رسیدن به روزهای مقرر ثبت نام با انواع تنگناها، موانع و محرومیت‌ها مواجه بوده ایم. در خلال این مدت در تمامی مکان‌های عمومی برای ایراد سخنرانی به رویمان بسته بوده است، همچنانکه مکان‌های خصوصی نیز به دلیل احسان نامنی متصدیان آنها برایمان گشوده نیست در همین حال سخنرانی عمومی در شهرستانها نیز با هجوم گروه‌های بی مهار فشار و جریانی موسوم به «انصار حزب الله» امکان پذیر نگردیده است. از آن سو نشريات موجود که تماماً در اختیار و تملک جریانات مختلف درون حاکمیت می‌باشد به نوعی تحریم خبری متول شده و اخبار مربوط به ما را با حداقل پوشش درج نموده و یا از انعکاس آن خودداری می‌نمایند. در روزهای اخیر حتی نشريات معتدل تر و ظاهرآمدافع آزادی نیز از درج آگهی سخنرانی ها سریازده اند... اما گرچه در این بازار مکاره و غوغای سالارانه، صدایمان (آنگونه که باید به شما نمی‌رسد) ما در سرزمین «انحصار» و در میان «برج های» تبلیغاتی نامزدهای درون حاکمیتی، به «تک اتاق» خود بسته کرده و به دنبال آنیم تا در این مصاف نابرابر موضع و دیدگاه‌های خود را بشناس در میان گذاریم، و در این مسیر از پیگیری اهدافی که از آن یاد شد، پا پس نهاده و تلاش می‌ورزیم تا آزادی از کنج عزلت و اسارت به درآید.»

های کنگره چهارم حزب کمونیست فدراسیون روسیه اثبات عدم کارایی و تأثیر مجلس دوما و لزوم به کارگیری شیوه‌های مبارزاتی غیر پارلمانی از سوی حزب بود. چندین نماینده از زیوگانف خواستند که موضع سخت تری را در مقابل دولت اتخاذ کند. در پاسخ رهبر حزب کمونیست گفت که حزب کمونیست باید یک نیروی اپوزیسیون «مسئول و آشتبانی نا پذیر» بشود. او خواستار وسیع ترین جنبش‌های اعتراضی در روزهای اول و نهم ماه مه در جریان مراسم روز جهانی کارگر و پیروزی بر فاشیسم هیتلری گردید. زیوگانف خطاب به کنگره گفت که مبارزه حزب برای برکناری دولت و مقابله با سیاست‌های «مرگبار» رژیم از اول ماه مه با شعارهای «دولت استغفا کن»، «یلتینیم باید استغفا کند»، «پیش به سوی دولت سورایی» شروع خواهد شد. در عین حال حزب یک کارزار جمع آوری امضاء توده‌ای در سراسر روسیه به منظور فشار بر یلتینیم برای استغفا را سازمان داده است.

مطالعه گزارش کمیسیون اثبات نمایندگان کنگره مشخص می‌کند که ۴۰۴ نماینده از مناطق مختلف انتخاب شده بودند. متوسط سن نمایندگان کنگره ۴۶ سال بود که در مقایسه با متوسط سن شرکت کنندگان کنگره سوم حزب، ۵ سال کمتر است و نشان دهنده توفیق حزب در جذب کادرهای جوان است. ۱۰۰ تن از نمایندگان کنگره کمتر از ۳۰ سال سن داشتند و در امر تدارک عملی کنگره حضور فعال اعضای جوان و کم‌سومول شده بود. ۴۵ تن از نمایندگان کارگر بودند. در ترکیب نمایندگان کنگره حضور دهقانان، پرشکان، کارمندان دولت و مدیران اقتصادی پروره‌های صنعتی چشمگیر بود. همچنین چندین فضانورد سابق اتحاد شوروی و نیز قهرمانان کار سویا ایستی در ترکیب نمایندگان کنگره حضور و در بحث ها شرکت نمودند.

کنگره چهارم حزب کمونیست فدراسیون روسیه با تصویب اصلاحات لازم در اساسنامه و برنامه دیگر و نیز بحث و تصمیم‌گیری در مورد پراودا فصلی از جمله در مورد تجدید انتشار مرتب پراودا فصلی نوین در حیات حزب گشود. کنگره در پایان با انتخاب کمیته مرکزی و هیأت سیاسی جدید به کار خود خاتمه داد، یکی از ابتكارات بسیار جالب و پر بار رهبری منتخب کنگره انقاد اخلاصی از نمایندگان احزاب برادر حاضر در کنگره و مسوولان اصلی و رهبران بلند پایه حزب کمونیست فدراسیون روسیه برای بحث و روشکری در مورد اوضاع سیاسی کشور و نیز سیاست های حزب برادر بود. رفیق زیوگانف، صدر حزب و کویستف و مالینکوف و دیگر شخصیت‌های کلیدی حزب در امور اقتصادی و توریک در اجلسی که ۸ ساعت طول کشید بفرنجی‌های وضعیت روسیه و برنامه حزب برای کسب قدرت را تشریف نمودند.

هیأت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در جریان کنگره علاوه بر ملاقات با رفیق زیوگانف و دیگر اعضای رهبری حزب برادر گفتگوهای موقفيت آمیزی با هیأت‌های نمایندگی احزاب کمونیست کارگری عراق، سوریه، ارمنستان، تاجیکستان، آذربایجان، کوبا، شیلی، استرالیا، بریتانیا، پاناما، نیوزلند، قبرس و نیز حزب دموکراتیک خلق افغانستان انجام داد و در رابطه با توسعه روابط دوجانبه با حزب توده ایران توافق‌های لازم به عمل آمد.

ادامه: هیأت نمایندگی حزب ...

قدرت فراکسیون حزب کمونیست در مجلس دوما و نیز شورای فدراسیون (مجلس سنا) دریافت نمودند. در پایان اولین بخش کنگره تمامی نمایندگان حاضر و مدعوین و توده وسیع از اعضای حزب در صفوی متشکل در پشت یک پرچم سرخ مزین به داس و جکش به بنای آرامگاه لنین رفته و با نشار تاج های گل ادای احترام نمودند. این کنگره مصادف با ۱۲۷-۱۲۸ میان‌گرد تولد لنین و کمون پاریس برگزار می‌شد. کنگره بطور رسمی کارت عضویت شماره ۱ خود را به نام ادیمیر ایلیچ لنین صادر نمود و آن را به خواهرزاده لنین تقدیم نمود و او به نوبه خود آن را در اختیار کمیته حزبی مسکو قرار داد که در موزه لنین به نمایش گذاشته شود. نشانه‌های فراوانی به چشم می‌خورد که رهبران حزب کمونیست فدراسیون روسیه سعی در احترام به میراث انقلابی و عظیم حزب بلشویک و رهبر آن لنین داشتند. تدوین شعارهای محوری مرحله آینده مبارزه برای برکناری تزار «یلتینیم» در کنگره‌ای که در ماه آوریل برگزار می‌شد و خواستار کارزاری همه جانبه، با پسیج توده ها و طبقه کارگر تا اکنون می‌شد را نمی‌توان تصادف دانست.

از نکات جنبال برانگیز در طول کنگره تلاش پر زیدنیت یلتینیم جهت ارسال پیامی به کنگره بود هنگامی که مسؤول اجلاس کنگره اعلام نمود که نماینده ویژه ریاست جمهور پیامی را خطاب به کنگره خواهد خواند نظم جلسه عملاً از هم پاشید. نمایندگان با سوت کشیدن و سر و صدا اعتراض خود را به پیام یلتینیم در آن ضمن آرزوی موقفيت برای کنگره اظهار امیدواری برای همکاری در پیش بردن سیاست‌های مسؤولانه شده بود، ابراز داشتند نمایندگان کنگره به درستی پیشنهاد دوستی جنایتکارانه را که آگاهانه و پیگیر حمله به سویالیسم را ادامه داده و پارلمان روسیه را به توب بسته است، رد نمودند.

هیأت رهبری حزب کمونیست فدراسیون روسیه در توضیح اوضاع اعلام کرد که حضور نماینده یلتینیم بدون موافقت آنان بوده است گویا کمتر از ۱۲ ساعت قبل از شروع کنگره از کرملین خبر می‌رسد که مقرر کرده که پیام او به کنگره خوانده شود و علی‌رغم مخالفت یکارچه رهبران و مسؤولان کنگره در لحظه افتتاح کنگره یکی از مشاوران عالی رتبه یلتینیم ظاهر می‌شود و ابراز می‌دارد که یلتینیم به او دستور داده است که باید پیام را خطا به کنگره بخواند. رفیق مالینکوف از کمیته تدارک کنگره و معاون صدر حزب کمونیست فدراسیون روسیه گفت که مشاور یلتینیم که حامل پیام بود از مسؤولانی است که در مجلس دوما در رابطه با حزب همکاری های انجام می‌دهد و به همین دلیل نمایندگان کنگره «مالحظه» او را گردند. اینکه چرا یلتینیم ضد کمونیست و ضد دموکرات خواستار ارسال پیام به کنگره حزب کمونیست فدراسیون روسیه می‌شود به خودی خود نمایشگر موقعیت بر جسته و قدرتمندی است که حزب دارد.

در طول کنگره پیام هایی از سوی هیأت‌های نمایندگی احزاب برادر منجمله حزب کمونیست کوبا، حزب کمونیست اوکراین، حزب کمونیست چک، حزب کمونیست هند (مارکسیست)، حزب کمونیست لبنان، حزب زحمتکشان مترقبی فیرس (اکل)، حزب کمونیست ویتنام خطاب به کنگره خوانده شد و مورد استقبال فراوان قرار گرفت. جهت اصلی اکثر بحث



کند. گنادی زیوگانف به ویژه به آن قسمت از مبارزه پارلمانی حزب اشاره نمود که باید متوجه «تغییر قانون اساسی» برای محدود کردن نقش ریاست جمهور در مقابل ارگان های جمعی منتخب مردم گردد.

در بخشی با اهمیت از سخنرانی افتتاحیه کنگره رفیق زیوگانف اشاره کوتاه و کلی به ارزیابی حزب از دوران «سوسیالیسم واقع موجود» در سال های قبل از دهه ۹۰ میلادی داشت. او گفت: ما مردم را به بازگشت به سوسیالیسم نمی خوانیم ما آنان را به پیش به سوی کرد که بعد از سقوط اتحاد شوروی، حزب کمونیست هنوز را نکرار کنیم ما نمی خواهیم به مدل قبلی بازگردیم. اکثر گرایش های گذشته اخیر (نه چندان دور) در سال های ۷۰ میلادی شروع شد. در تولید صنعتی عقب افتادیم. غارت و اختلالات از سال های قبل از آن شروع شده بود آموزش سیاسی شکست خورد و رکود به زایش گارباچف و یلتینس انجامید.

نمایندگان کنگره همچنین گزارشات دقیق مستندی در رابطه با عملکرد و تقاضا ضعف و

ادامه در صفحه ۷

کمک های مالی رسیده

از هامبورگ در راه کنگره	۱۰۰ مارک
منا از هلند	۵۰ گیلدن
سیامک به یاد خسرو روزبه، تهرمان ملی ایران	۲۰۰ مارک
به یاد رفیق رزشناس از اتریش	۴۰۰ شلنیگ
هادی از هامبورگ	۱۰۰ مارک

ایم، اگرچه از زمان کنگره سوم تاکنون حملات بیشتری به ما شده است. دائما در کازارهای انتخاباتی بوده ام و در مسیر خود یاد گرفته ایم. اکنون ما هنر مبارزه انتخاباتی را بخوبی فرا گرفته ایم». در انتخابات دسامبر ۱۹۹۵ حزب توانت ۲/۵ برابر آرایی که در جریان انتخابات دوما در سال ۱۹۹۳ کسب کرده بود بدست آورد و در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری در ژوئیه ۱۹۹۶ تعداد آراء رفیق زیوگانف ۲ برابر میزان آراء کسب شده در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۵ بود. این خود پیروزی با اهمیتی است. رفیق زیوگانف در تشریح امکانات بالقوه حزب در تحولات اینده گفت: «روسیه یک کشور عادی نیست». او اضافه کرد که بعد از سقوط اتحاد شوروی، حزب کمونیست هنوز هم بر سر راه «نظم نوین جهانی» ایستاده است. رهبر کمونیست های روسیه ضمن گزارش موقوفت های حزب گفت: حزب «شیوه بسیج مردم» را بار دیگر فراگرفته است. اینکه در انتخابات استان های کشور از مجموع ۵۳ ناحیه، استانداران کمونیست و موردن حمایت جبهه متحد ملی میهنی در ۳۱ منطقه پیروز شده اند و توانته اند در این مناطق به اصلاحات ریشه ای پردازند خود دلیلی بر توفیق حزب در جلب حمایت توده ها است. زیوگانف گفت که «ما به آنچه که در جریان است پاسخ داده ایم. ما نمی توانیم منتظر بشویم که قدرت عوض بشود. ما دولت را قبول نداریم. اتفاقی محض نقش ابوزیسیون پارلمانی تکنیک ما نیست. ما باید دولت فاسد را کنار بزنیم. ما با یلتینس اختلاف آشنا نایدیر داریم».

در اظهاراتی که مطمئناً متاثر از سخنرانی یلتینس در ۱۸ اسفند ماه و تصمیمات او مبنی بر ترفیع مقام جوپایس و نمتسو بود رفیق زیوگانف اشاره کرد که در دوماه گذشته وضعیت روسیه عوض شده است ولذا حزب باید تاکتیک خود را عوض کند. او ضمن اعلام اینکه حزب نمی تواند هیچ اشتباہی نکند از موقعیت اعتصابات پیروزمند در روز ۷ فروردین سخن گفت. زیوگانف اظهار داشت که مجلس دوما به عنوان یک ارگان قانون گذاری فلنج است و نمی تواند سیاست های اجتماعی و اقتصادی ضرور را اتخاذ

هیأت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در چهارمین کنگره حزب کمونیست روسيه

- باز دیگر تذهیه آوریل بوای آغازی نو- کنگره چهارم حزب کمونیست فدراسیون روسيه در روزهای ۳۰ و ۳۱ فروردین ماه جاری در مسکو برگزار شد. علاوه بر ۴۰۱ نماینده از ساختارهای پایه حزب، نمایندگان ۸۲ حزب کمونیست کارگری و دموکراتیک و از جمله هیأت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران به دعوت حزب برادر از کشورهای پنج قاره جهان در کنگره شرکت داشتند.

پلاکارد سرخ رنگ کنگره ۴ حزب کمونیست فدراسیون روسيه التي زال تالار محل برگزاری کنگره را مزین کرده بود و مجسمه مرمرینی از تیم تنه لین، رهبر پرولتاریای جهان و پرجم سرخ مزین به آرم حزب با کلامات کار، حاکمیت مردم، سوسیالیسم بر فراز جایگاه رهبران و هیات ریسیه کنگره بادآور ریشه های تاریخی حزب نو بودند. مراسم اصلی کنگره با سخنرانی گنادی زیوگانف، رهبر حزب کمونیست روسيه آغاز گردید. او در سخنرانی مهم خود گفت که حزب کمونیست «در آستانه دوره جدیدی» قرار دارد و در ۸۰- مین سالگرد انقلاب اکبر که امسال جشن گرفته می شود باید به «مرور درس های تاریخ برای مهند» بپردازد. او ضمن اشاره به جبهه متحد نیروهای دموکراتیک و میهندی گفت: «ایده میهندی ایده ای سوسیالیستی است. کوشش برای بازگرداندن کاپیالتیسم شکست خورده است... سردمداران کشور قادر نبوده اند که به اقتصاد کشور سامان بدهند: اوضاع اجتماعی شدیداً وخیم و اسفناک است، در مناطق روستایی درصد مرگ و میر ۱/۶ برابر شده است، جنایت در جامعه نهادی شده است، رهبران حاکم مورد نفرت مردم روسيه هستند چونکه میزان خرابی تحت کنترل آنها از دوران چنگیز خان، ناپلئون و هیتلر بیشتر بوده است. و این روسيه ای است که تا همین چندی پیش جزو ۱۰ کشور ثروتمند و امن جهان بود». رفیق زیوگانف آنگاه به توضیح فعالیت های حزب در فاصله بین دو کنگره پرداخت و اظهار داشت: «حزب ما فقط چند سال عمر دارد. سوین کنگره حزب شکست را عقب راند. اکنون خود را تحکیم بخشیده

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:505

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

6 May 1997

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

- ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام: IRAN e.V.
شماره حساب: 790020580
کد بانک: 10050000
بانک: Berliner Sparkasse